



نویسنده : میکی ویتینی «Mike Whitney».

منبع و تاریخ نشر: انفارمیشن کلیرنگ هوز «2023-07-20».

برگردان : پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .

[141]

هشدار بریژنسکی

Brzezinski's Warning



بریژنسکی

اعلامیه یا بیانیه اجلاس ویلینوس یک تلاش خام برای (ناتوکردن)؛ خود تدارک نمودن
لست از دشمنان و اشنگتن است؛ دشمنان در واقعیت به منظور جلب حمایت هرچه گسترده تر
به درگیری جها نی قریب الوقوع . اهداف اصلی مورد نظر این گونه کمپین یا تبلیغات
روسیه . چین بعنوان مخالفان اصلی به اصطلاح « نشم مبتنی بر قوانین هستند»؛ حالانکه
هیچ یک از این کشورها تهدید امنیتی مستقیمی برای نا تو یا ایالات متحده نیستند . واما
ظهور مجدد و ناگهانی آنها در قاره آسیا آنها را به دشمنان واقعی و اشنگتن تبدیل میکند؛

چونکه ایالات متحده مصمم به تسلط اش بر آسیای مرکزی است. به این مفهوم که همه رقبای بالقوه و اشننگتن باید مها ر ویا سرکوب شوند- هدف از بیانیه ویلنیوس شناسایی این رقبای؛ افشای تخلفات و ادعاهای آنها و سپس محکوم کردن آنها با شدیدترین عبارات رکیک ممکن است؛ اینگونه است که نا تو از جنگ و منازعه دفاع میکند و زمینه را برای ایجاد خصومت های آینده فراهم میکند؛ این مطلب ویا موضوع یکی از گزیده ای این اعلامیه یا بیانیه این اجلاس شمرده میشود.

فدراسیون روسیه مهمترین و مستقیمترین تهدید برای امنیت متحدان و صلح و ثبات در منطقه یورو-آتلانتیک است... روسیه مسئولیت کامل جنگ تجاوز کارانه غیرقانونی، غیرقابل توجیه و غیرقابل تحریک خود علیه اوکراین را برعهده دارد، که به شدت امنیت یورو-آتلانتیک و جهانی را تضعیف کرده است و باید در قبال آن کاملاً پاسخگو باشد. ما همچنان به شدت نقض آشکار قوانین بین المللی، منشور سازمان ملل، و تعهدات و اصول سازمان امنیت و همکاری اروپا را محکوم می کنیم. ما الحاقات غیرقانونی و غیرقانونی روسیه از جمله کریمه را به رسمیت نمی شناسیم و هرگز نخواهیم داشت. برای جنایات جنگی روسیه و سایر جنایات، مانند حملات علیه غیرنظامیان و تخریب زیرساخت های غیرنظامی که میلیون ها اوکراینی را از رسیدگی به خدمات اولیه انسانی محروم می کند، هیچ مصونیتی وجود ندارد. همه افراد مسئول باید در قبال نقض و نقض حقوق بشر و قوانین بین المللی بشردوستانه، به ویژه علیه جمعیت غیرنظامی اوکراین، پاسخگو باشند. (از بیانیه نشست ویلنیوس، و نا تو).



لحن تند اعلامیه برای رد هرگونه استدلال یا نظر مخالف است. رویکرد نویسنده سفت و سخت و غیر قابل انعطاف است. روسیه به عنوان یک مجرم زنجیره ای معرفی می شود که مذاکره با او غیرممکن است. بنا براین، دیپلماسی به طور انعکاسی با تکان دادن دست منع می شود. تنها راه مقابله با جنایتکار جنگی استفاده از نیروی نظامی است. این پیام اصلی بیانیه است. باید از مذاکرات صلح به هر قیمتی اجتناب شود تا روسیه بتواند با

شکست استراتژیک در اوکراین مواجه شود. این هدف اولیه باقی می ماند. در اینجا بیشتر در این بیانیه آمده است:

روسیه باید فوراً این جنگ تجاوزکارانه غیرقانونی را متوقف کند، استفاده از زور علیه اوکراین را متوقف کند، و تمام نیروها و تجهیزات خود را به طور کامل و بدون قید و شرط از خاک اوکراین در محدوده مرزهای بین المللی به رسمیت شناخته شده خود خارج کند و تا آب های سرزمینی آن گسترش یا بد (از بیانیه نشست ویلنیوس، نا تو).

این بیانیه دارای کیفیتی توهم آمیز است که انتقادات زیاده را از همه جانبه به همراه داشته است. چرانویسندگان با طرح مطالباتی که نمی توانند در میدان جنگ از آنها حمایت کنند، خود را خجالت زده می کنند؟ پس از 17 ماه جنگ، افراد معقول می توانند توافق کنند که روسیه برنده جنگ است، و آن را به راحتی می برد. هیچ "خروج بی قید و شرط نیروها و تجهیزات روسیه" وجود نخواهد داشت و اوکراین نیز سرزمینی را که از دست داده است بازپس خواهد گرفت. به زلنسکی این فرصت داده شد که زودتر این امتیازات را بپذیرد، اما در عوض ترجیح داد از دستور واشنگتن پیروی کند. اکنون اوکراین به طرز نا امید کننده ای تقسیم شده است و دیگر به عنوان یک کشور قابل دوام و همجوار وجود ندارد. این انتخاب زلنسکی بود نه پوتین. در اینجا مطالب بیشتری از بیانیه آمده است.

ما همچنان بر اساس رویکرد 360 درجه، دفاع جمعی خود را در برابر همه تهدیدها، بدون توجه به اینکه از کجا سرچشمه می گیرند، تضمین می کنیم تا سه وظیفه اصلی نا تو یعنی با زدارنگی و دفاع، پیشگیری و مدیریت بحران و امنیت همکاری را انجام دهیم. از «بیانیه نشست ویلنیوس، نا تو»

این گونه است که ماندارین های نا تو تصمیم گرفته اند تبدیل این سازمان را از یک اتحاد امنیتی منطقه ای به یک ژاندارمری جهانی آزاد برای انجام عملیات نظامی در هر جایی که سلطه واشنگتن به چالش کشیده شود، اعلام کنند. در مورد این موضوع اختلاف نظرهای زیادی بین اعضا وجود دارد، بسیاری از آنها فکر می کنند که نا تو باید فعالیت های خود را به تئاتر اروپایی محدود کند. پس آموزنده است که گزینه فوق اصلاً در ابلاغیه گذاشته شده است. آنچه نشان می دهد این است که سیاست نا تو توسط اعضای منفرد یا پارلمان های مربوطه آنها تصمیم گیری نمی شود، بلکه توسط نخبگان میلیاردری که واشنگتن را در تنگنا قرار داده اند و تصمیم گرفته اند که نا تو وسیله ای مطلوب برای پیگرد قانونی جنگ آنها علیه چین است، تعیین می شود. این هم کلیبی از مجله تایم:

نا تو به حرکت تدریجی به سمت منطقه آسیا و اقیانوسیه برای مقابله با افزایش قدرت چین ادامه می دهد.

برای دومین سال متوالی، ژاپن و کره جنوبی که عضو نا تو نیستند، برای شرکت در اجلاس سالانه دعوت شدند. فومیو کیشیدا، نخست وزیر ژاپن، با به اصطلاح «برنامه

مشارکت» با نا تو کنار رفت، توافق نامه ای پنج صفحه ای که هدف آن تقویت همکاری دفاعی بین ژاپن و این ائتلاف تا برگزاری رزمایش های مشترک است در بیانیه مشترک نا تو به هیچ وجه مشخص نیست که **چین** یک تهدید بالقوه است که باید جدی گرفته شود به نظر می رسد نا تو تصمیمی هماهنگ برای افزودن آسیا به فهرست خود در زمانی اتخاذ می کند که ائتلاف برای مدیریت بزرگترین جنگ اروپا از سال 1945 دستش را دارد.

منطق نا تو برای ورود به امور امنیتی آسیا به اندازه کافی روشن است. ایالات متحده **چین** را به عنوان "چالش سرعت" خود طبقه بندی می کند، کشوری که به دنبال جا بجایی واشنگتن به عنوان مرکز ثقل پیشرو در جهان است. مجله تایم چرا علاقه فزاینده نا تو به آسیا یک اشتباه است.



مزایای استقرار نا تو در آسیا و اقیانوسیه را نمی توان نادیده گرفت **اول**، مشارکت نا تو این تصور را ایجاد می کند که ائتلاف گسترده ای از کشورها از جنگ افروزی ایالات متحده در آسیا حمایت می کنند **دوم**، هزینه هرگونه مداخله نظامی آسیایی بین 31 عضو تقسیم خواهد شد **سوم**، ائتلاف قوی تر نا تو- ایالات متحده، جهان را به بلوک های متخاصم تقسیم می کند (مشابه جنگ سرد) و این همان چیزی است که واشنگتن اکنون به دنبال آن است زیرا در نهایت متوجه شد که کنترل چین در دست حزب کمونیست باقی خواهد ماند و به الیگارشی های غربی منتقل خواهد شد در اینجا بیشتر از مقاله ای در وب سایت جهانی سوسیالیست آمده است :

بیانیه ای که این هفته توسط سران کشورها و دولت های 31 عضو نا تو در ویلنیوس، لیتوانی تصویب شد، طرحی برای جنگ جهانی است تنها بخشی از این سند 24 صفحه ای به موضوع محوری اجلاس، جنگ در اوکراین می پردازد در بقیه موارد، ناتو قصد

خود را برای تحمیل اراده خود بر کل جهان اعلام می کند. به ندرت هیچ قاره و منطقه ای در آنچه این سند "رویکرد 360 درجه" ناتو می نامد کنار گذاشته شده است.

تمرکز اصلی این بیانیه بر **چین** است که متهم به استفاده از طیف گسترده ای از ابزارهای سیاسی، اقتصادی و نظامی برای افزایش ردپای جهانی و قدرت پروژه خود است. این اتحاد با «عملیات مخرب ترکیبی و سایبری» و «لفاظی های مقابله ای و اطلاعات نادرست» به امنیت اتحاد آسیب می زند و تلاش می کند «بخش های کلیدی فناوری و صنعتی، زیرساخت های حیاتی، و مواد استراتژیک و زنجیره های تأمین را کنترل کند».

سازمان پیمان آتلانتیک شمالی به یک هیولای فرانکشتاین تبدیل شده است که منافع و «ارزش های» خود را در هر نقطه از جهان مطرح می کند... نشست ناتو در ویلنیوس و طرح هایی برای تسلط جهانی رونمایی کرد، «مراجعه به وب سایت جهانی سوسیالیست».



شبهات قابل توجهی بین بیانیه ناتو و استراتژی امنیت ملی دولت بایدن وجود دارد. در واقع، ما گمان می کنیم که نویسندگان ممکن است روی متن همکاری داشته باشند. در هر صورت، تمرکز لیزری بر **چین** به عنوان یک تهدید نوظهور، موضوعی تکراری در هر دو سند است، همانطور که استنباط می شود که ایالات متحده - که در سه دهه گذشته به طور فزاینده ای غیررقابتی شده است - باید از نیروی نظامی برای حفظ موقعیت خود در نظم جهانی استفاده کند. این یک کلیپ کوتاه از NSS است:

جمهوری خلق **چین** تنها رقیبی است که هم قصد دارد نظم بین المللی را تغییر دهد و هم قدرت اقتصادی، دیپلماتیک، نظامی و تکنولوژیکی برای انجام آن را دارد. پکن جاه طلبی هایی برای ایجاد حوزه نفوذ افزایش یافته در اقیانوس هند و اقیانوس آرام و تبدیل شدن به

کشور دارد قدرت پیشرو جهان این کشور از ظرفیت تکنولوژیکی خود و افزایش نفوذ خود استفاده می کند

نهادهای بین المللی برای ایجاد شرایط مسالمت آمیزتر برای الگوی استبدادی خود ...

استراتژی ما در قبال جمهوری خلق چین سه مورد است: 1) سرمایه گذاری در پایه های قدرت خود در داخل - رقابت ما، نوآوری ما، انعطاف پذیری ما، دموکراسی ما ...

در رقابت با جمهوری خلق چین، مانند سایر عرصه ها، مشخص است که ده سال آینده دهه تعیین کننده خواهد بود. ما اکنون در نقطه عطف ایستاده ایم،

جایی که انتخاب هایی که می کنیم و اولویت هایی که امروز دنبال می کنیم، ما را در مسیری قرار می دهند که موقعیت رقابتی ما را در آینده مشخص می کند .

استراتژی امنیت ملی ایالات متحده، کاخ سفید .

NSS در این گزیده کوتاه چهار بار به «رقابت» اشاره می کند، اما در هیچ کجا نشانه ای نمی بینیم که واشنگتن گام هایی برای بهبود رقابت برمی دارد. هیچ برنامه فدرالی برای بهبود زیرساخت های حیاتی وجود ندارد. هیچ برنامه فدرالی برای بهبود آموزش وجود ندارد. هیچ برنامه فدرالی برای گسترش آموزش کارگران یا حمایت از صنایع و فناوری های آینده وجود ندارد. ایالات متحده اساساً رقابت را به کلی کنار گذاشته است، و متوجه شده است که با رون های دزدی که سیستم را کنترل می کنند، مصمم هستند تا جایی که می توانند ثروت را استخراج کنند نه اینکه سود خود را به مراکز تولیدی باز یافت کنند که کشور را رقابتی تر کند. به همین دلیل است که "بزرگترین اقتصاد جهان" دیگر نمی تواند با چین رقابت کند. مدل دولتی چین بسیار برتر از مدل استخراجی آمریکا است .

چینی ها در مورد همه اینها چه احساسی دارند؟ آنها چگونه می پسندند که به خاطر طمع طمع ورزی نخبگان آمریکایی که سه دهه پیش کارگر آمریکایی را زیر اتوبوس انداختند تا بتوانند سود بیشتری برای نیروی کار کم درآمد چین داشته باشند، سرزنش شوند؟ چگونه دوست دارند به خاطر موفقیت شان مورد سرزنش قرار بگیرند یا به خاطر سرمایه گذاری خود در سرمایه گذاری های سازنده تر مورد انتقاد قرار گیرند؟ آنها چگونه دوست دارند که یک اتحاد نظامی خصمانه در همسایگی آنها ریشه دوانده باشد تا بتوانند در دسر ایجاد کنند و به دشمنان چین کمک کنند؟ این مبحث از گلوبال تایمز را بررسی کنید :

انگیزه استراتژیک ناتو برای مداخله در منطقه آسیا و اقیانوسیه نیز در این نشست قریب الوقوع است. گسترش همکاری با چهار "شریک آسیا-اقیانوسیه" - ژاپن، کره جنوبی، استرالیا و نیوزلند - یکی دیگر از موضوعات مهم این اجلاس است. در همین راستا، رسانه‌های آمریکایی با جسارت اعلام کردند که ناتو در تلاش است تا از جاه‌طلبی‌های استراتژیک چین جلوگیری کند. این دومین سالی است که ژاپن، کره جنوبی، استرالیا و نیوزلند به اجلاس ناتو دعوت می‌شوند. ناتو به منظور استحکام در این چهار کشور، در اجلاس سال گذشته از مکانیسم چهارگانه آمریکا، ژاپن، هند و استرالیا تقلید کرد و به‌ویژه نام جدیدی برای این چهار کشور به نام «چهار آسیا و اقیانوسیه (AP4)» ایجاد کرد. هدف از این کار نهادینه کردن همکاری بین این چهار کشور و ناتو و تبدیل آنها به متحدان جدید "NATO+" در منطقه آسیا و اقیانوسیه است.

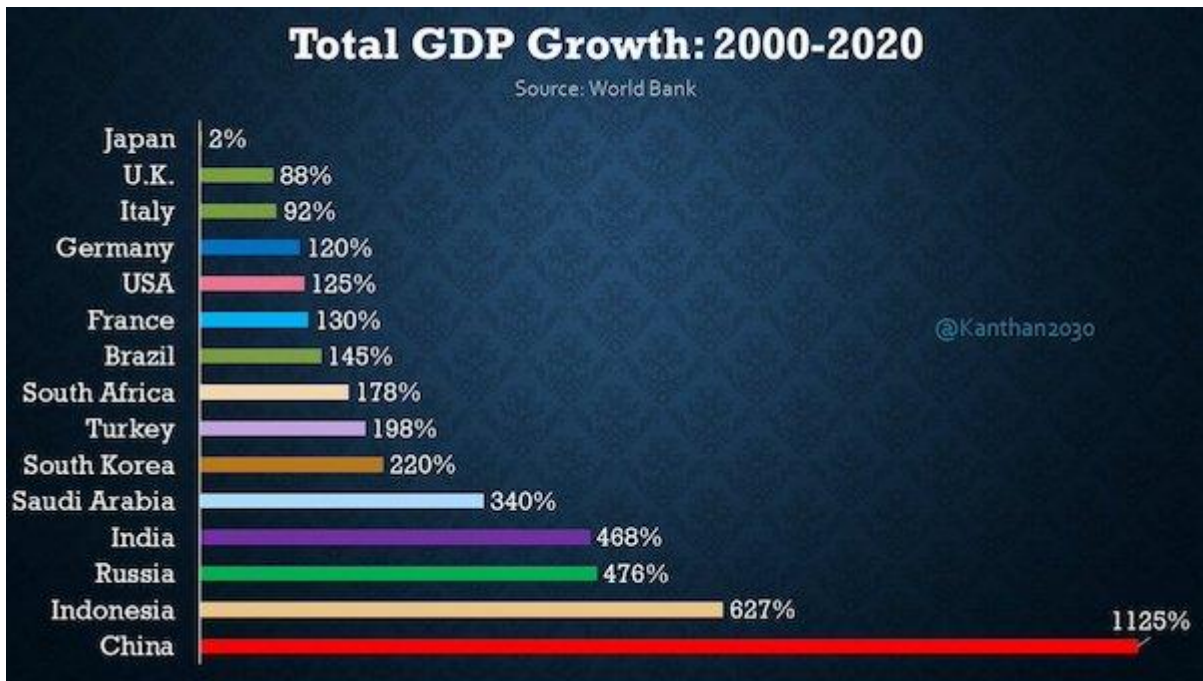
31. عضو ناتو وجود دارد، اما آنها ... توسط وحشت و تنش ایجاد شده توسط ایالات متحده ریبوده شده و تبدیل به "تبر، نیزه و بیل واشنگتن" شده اند. هر کجا که ناتو برود، احتمالاً جنگ‌هایی رخ خواهد داد. اینها نه تنها برداشت‌های ذهنی به جا مانده از ناتو، بلکه تا حد زیادی حقایق عینی هستند.

ناتو باید فوراً دست سیاهی را که به سمت منطقه آسیا و اقیانوسیه دراز کرده است، پس بگیرد و حتی نباید در آینده به فشردن نیمی از بدن خود فکر کند. جدای از برخی... اکثر کشورهای آسیایی نه تنها از ناتو استقبال نمی‌کنند، بلکه آن را هیولایی وحشتناک می‌دانند که باید به هر قیمتی از آن اجتناب کرد. این به این دلیل است که ناتو فقط خطرات امنیتی، تهدیدات جنگی و مشکلات توسعه را برای آسیا به ارمغان می‌آورد.

اتحاد نظامی ترانس آتلانتیک... اکنون در حال گسترش دامنه نفوذ خود به منطقه آسیا و اقیانوسیه است. انگیزه‌های باطنی آن در جامعه بین‌المللی شناخته شده است. آنها با دامن زدن به تفرقه و نفرت، ایجاد تقابل گروهی و ایجاد هر ج و مرج در اروپا، اکنون به دنبال برهم زدن صلح در منطقه آسیا و اقیانوسیه هستند. ما به همراه اکثر کشورهای منطقه آسیا و اقیانوسیه به شدت در برابر این امر مقاومت می‌کنیم. دو هشدار جدی باید به ناتو داده شود، گلوبال تایمز.

واضح است که چین از این تحولات راضی نیست و چرا باید خوشحال باشد؟ به هر حال، ایالات متحده هرگز از موعظه در مورد تقارن شگفت‌انگیز «با زار آزاد» دست بر نمی‌دارد تا اینکه البته، برخی از کشورهای تازه‌کار در آسیا از این بازار آزاد به نفع خود استفاده کنند و به موتور بی‌رقیب رشد جهانی تبدیل شوند. این زمانی است که عمو سام به سرعت ادعا می‌کند که موفقیت چین نتیجه "سیاست‌های قهری است که منافع، امنیت و ارزش‌های ما را به چالش می‌کشد".

اما فریب نخورید؛ این فقط حسادت است



هشدار برژینسکی

طرح بزرگ واشنگتن برای رویارویی همزمان با روسیه و چین، کاستی‌های یک نهاد سیاست‌گذاری را نشان می‌دهد که هر کسی را که دیدگاه‌هایش حتی اندکی از اجماع جنگ‌افروز منحرف می‌شود، حذف کرده است ("Groupthink") بزرگ نوشته می‌شود (جالب است بدانید که معمار اصلی برنامه واشنگتن برای حکومت بر جهان، زیبگنیو برژینسکی، در نهایت این ایده را به کلی کنار گذاشت و خواستار ایجاد روابط با روسیه و چین شد. برژینسکی در مقاله‌ای که اندکی پیش از مرگش نوشته شده بود، چنین گفت:

با پایان یافتن دوران سلطه جهانی خود، ایالات متحده باید رهبری را در تنظیم مجدد معماری قدرت جهانی به عهده بگیرد ...

ایالات متحده هنوز از نظر سیاسی، اقتصادی و نظامی قدرتمندترین موجودیت جهان است، اما با توجه به تغییرات پیچیده ژئوپلیتیکی در موازنه‌های منطقه‌ای، دیگر قدرت امپریالیستی در سطح جهان نیست.

ایالات متحده باید رهبری را در تنظیم مجدد ساختار قدرت جهانی به‌گونه‌ای بر عهده بگیرد که خشونت را بتوان بدون از بین بردن نظم جهانی مهار کرد.

یک راه طولانی و دردناک به سمت یک محل اقامت اولیه محدود منطقه‌ای تنها گزینه مناسب برای ایالات متحده، روسیه، چین و نهادهای مربوطه خاورمیانه است. برای ایالات متحده، این مستلزم اصرار صبورانه در ایجاد روابط همکاری با برخی از شرکای جدید (به ویژه روسیه و چین) است ...

واقعیت این است که تا زمان ظهور آمریکا در صحنه جهانی هرگز یک قدرت جهانی واقعاً «مسلط» وجود نداشته است. در اواخر قرن بیستم هیچ قدرت دیگری حتی به آن نزدیک نشد. آن دوران اکنون به پایان می رسد.

به سوی همسویی مجدد جهانی، زیگنیو برژینسکی، منافع آمریکا (حق با برژینسکی است. به جای ایجاد دشمنان بیشتر که به دنبال نابودی ما هستند، ایالات متحده باید به دنبال راه هایی برای تسهیل گذار به جهانی باشد که در آن یک مرکز قدرت دیگر سیاست را دیکته نمی کند. این بدان معنا نیست که آمریکا نباید از منافع حیاتی خود دفاع کند. به این معناست که سیاستگذاران باید بدانند که جهان اساساً تغییر کرده است و ما باید با آن تغییر کنیم.

سطری چند در مورد نویسنده این مقاله :

سن، بیوگرافی

ویکی مایک ویتنی در 24 فوریه 1959 در سوری هیلز استرالیا متولد شد و یک بازیکن کریکت استرالیایی است. بیوگرافی مایک ویتنی، سن، قد، آمار فیزیکی، قرار ملاقات/امور، خانواده و به روز رسانی های شغلی را کشف کنید. بیا موزید که او در این سال چقدر ثروتمند است و چگونه پول خرج می کند؟ همچنین بیا موزید که چگونه او در سن 64 سالگی بیشترین ثروت را به دست آورد؟



ویکی مایک ویتنی

----- با تقدیم احترامات «2023-07-25»